

چرا ناهنجاری؟

تبیین چگونگی گرایش نوجوانان به ناهنجاری

امیر خوشحال

کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی - فرهنگی

چکیده

در این مقاله سعی شده است علل و عوامل گرایش افراد به ناهنجاری‌های اجتماعی از منظر جامعه‌شناختی کارکردی، به خصوص با تأکید بر اندیشه‌های رابرت مرتن، با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از تحقیقات میدانی محققان، با شناسایی عوامل متفاوت شخصیتی، فردی و اجتماعی، و روی آوردن افراد به ناهنجاری‌های اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد. در این تحقیق ابتدا عوامل جامعه‌شناختی افراد در روی آوردن به انحرافات اجتماعی را برشمردیم که عبارت‌اند از: اختلاف و از هم پاشیدگی خانواده، فقر مالی و بی‌کاری، توهم ثروتمند شدن و از دست دادن شرافت اخلاقی، احساس تنهایی و بی‌پناهی، عوامل شخصیتی نیز عبارت‌اند از: اختلالات شخصیتی و خلقی، شخصیت ضد اجتماعی و شکست روحی و عاطفی. اهتمام به شناخت عوامل مطرح شده و نیز کاهش یا کنترل این عوامل می‌تواند برای پیشگیری و کنترل مسائل ناهنجاری‌های اجتماعی در رابطه با جامعه ما دارای اهمیت اساسی باشد.

کلیدواژه‌ها: ناهنجاری‌ها، انحرافات، جوانان و نوجوانان، علل گرایش، جامعه‌شناسی

مقدمه

آسیب‌شناسی ناهنجاری‌های اجتماعی در واقع مطالعه و ریشه‌یابی

بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بی‌کاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آن‌ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. به عبارت دیگر، به مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، «آسیب‌شناسی اجتماعی» می‌گویند، زیرا اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشوند، کجروی پدید می‌آید و رفتارها آسیب می‌بینند. آسیب زمانی پدید می‌آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. پایبند نبودن به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی می‌شود، از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، «کجروی اجتماعی» تلقی می‌شود [ستوده، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۴]. تاکنون تحقیقات و مطالعات



نمی‌پذیرد، اما برای رسیدن به مقاصد خود از وسایلی مقبول جامعه استفاده می‌کند. در این مورد، افراد می‌کوشند وارد بدنه قدرت شوند و از راه‌های قانونی به مقصود خود برسند.

۳. کجرو هدف‌های مقبول جامعه و وسایلی صحیح رسیدن به آن‌ها را نفی می‌کند. در این مورد معمولاً آنان منزوی می‌شوند.
۴. کجرو هدف‌ها و وسایلی مقبول جامعه را رد می‌کند و هدف‌ها و وسایلی مقبول خویش را مطرح می‌کند. [گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۰].

نام این چهار شیوه انطباق فردی به ترتیب عبارت است از: نوآوری؛ مناسک‌گرایی؛ انزواطلبی؛ شورش [معدیفر، ۱۳۹۰: ۴۲]. مرتن با توجه به این الگوی کارکردگرایانه دو دسته رفتار انحرافی را تبیین کرد: یک دسته رفتارهای انحرافی از نوع آسیب‌های اجتماعی، و دسته دوم رفتارهای انحرافی از نوع مسائل اجتماعی. اگر در جامعه میزان کمی از سوء یکپارچگی وجود داشته باشد، به گونه‌ای که نه برای اکثر افراد آن، بلکه برای اقلشاری از اجتماع، امکانات هنجارمند دسترسی به موفقیت فراهم نباشد، انحرافات اجتماعی در این جامعه عمدتاً از نوع آسیب‌های اجتماعی هستند. اما اگر در جامعه سوء یکپارچگی به قدری باشد که اکثر اقشار جامعه و مردم نتوانند از طریق راه‌ها و شیوه‌های هنجارمند به هدف‌های مورد تبلیغ دسترسی پیدا کنند، در این صورت ما با مسئله بحران اجتماعی روبه‌رو می‌شویم [همان: ۴۴].

علل و عوامل ظهور جامعه‌شناختی ناهنجاری‌های اجتماعی

عوامل به وجودآورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیستند و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل آن متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها را می‌توان در شهرها، روستاها و

ساختار اجتماعی جامعه است. هر جامعه‌ای نه تنها هدف‌های فرهنگی تجویز شده‌ای دارد، بلکه وسایلی اجتماعی پذیرفته شده‌ای را نیز برای دستیابی به این هدف‌ها در اختیار دارد. هرگاه این وسایلی در دسترس فرد قرار نگیرند، احتمالاً آن شخص به رفتار انحرافی دست می‌زند.

«ویکسرد نابسامانی اجتماعی» یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی انحرافات اجتماعی است. مهم‌ترین نظریه‌پرداز در این رویکرد مرتن، جامعه‌شناس آمریکایی است که با الهام از اندیشه‌های دور کیم به تبیین انحرافات اجتماعی مبادرت ورزید. این رویکرد، هم در مورد کجروی فردی و هم در مورد کجروی گروهی بحث می‌کند. از نظر او، حالت بی‌هنجاری زمانی پیش می‌آید که چشم‌داشت‌های فرهنگی با واقعیت‌های اجتماعی سازگاری ندارند.

مرتن کوشیده است، بی‌هنجاری را به انحرافات اجتماعی ربط دهد. از نظر او، اشخاص منحرف از نظر زیستی نه عجیب و غریب‌اند و نه نقص روان‌شناختی دارند، بلکه آن‌ها درست همان کاری را انجام می‌دهند که در شرایط اجتماعی ساخت خاصی از آن‌ها انتظار می‌رود [معدیفر، ۱۳۹۰: ۳۸]. وی معتقد است: فرد در نتیجه فرایند اجتماعی شدن، هدف‌های مهم فرهنگی و نیز راه‌های دستیابی به این هدف‌ها را که از نظر فرهنگی مورد قبول باشند، فرا می‌گیرد. هرگاه میان هدف‌های مقبول اجتماعی و وسایلی مقبول و قابل دسترس در جامعه تعارض ایجاد شود، فرد به ناهنجاری و کجروی روی می‌آورد [داوری، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۴]. وی گونه‌های متفاوت این کجروی‌ها را در چهار صورت زیر تصویر کرده است:

۱. کجرو، در عین پذیرش هدف‌های اجتماعی، برای رسیدن به آن‌ها از وسایلی غیرمقبول استفاده می‌کند.
۲. کجرو هدف‌های مقبول جامعه را

زیادی به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی صورت گرفته‌اند، عده‌ای افسردگی و تغییرات خلقی را عامل گرایش جوانان به ناهنجاری‌های اجتماعی دانسته‌اند، کوپس و همکارانش بین شکست تحصیلی و آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری گزارش کرده‌اند. تحقیق دیگری که توسط رسول زاده انجام گرفته، حاکی از آن است که مهم‌ترین عوامل گرایش افراد به سوی ناهنجاری‌های اجتماعی عوامل فردی، اجتماعی و خانوادگی از جمله معاشرت با دوستان ناباب، شکست تحصیلی، طلاق و اختلافات خانوادگی است. پس به‌طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می‌زند، متأثر از مجموعه‌ای از عوامل است که به‌طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص می‌دارد. حال سؤال‌های اساسی مقاله حاضر این است که ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می‌آیند؟ عوامل گرایش به این ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی کدام‌اند؟ و چه چیزی در محیط‌های اجتماعی وجود دارد که مردم را کجرو و بزهدار می‌سازد؟

در ادامه به ریشه‌یابی انحرافات اجتماعی و گرایش به آن‌ها، به خاطر اینکه انحرافات مزبور امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می‌شوند، می‌پردازیم.

نظریه انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی

از نظر بسیاری از جامعه‌شناسان، انحراف نتیجه نارسایی‌های موجود در فرهنگ و

حتی در مناطق متفاوت و محله‌های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی، سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی و اقلیمی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی و شغلی، و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این‌ها در حسن رفتار و یا بد رفتاری افراد تأثیر دارد. شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه‌نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه‌نشینی در شهرها با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ و تورم و گرانی هزینه‌های زندگی موجب می‌شود، افراد غیر کارآمد که درآمدشان زندگی ایشان را کفاف نمی‌دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هر چند غیر قانونی بزنند [ستوده، ۱۳۷۶: ۸۰-۷۵].

با این مقدمه می‌توان گفت که عوامل متعددی در پیدایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، نقش دارند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

فقر: در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نداشتن بضاعت مالی مکفی خانواده‌ها و ناتوانی در پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و ضروری، مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی تا دوره متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه‌ساز بروز دل‌زدگی، سرخوردگی، ناراحتی‌های روحی، دل‌مشغولی، افسردگی و انزوای طلبی را در فرزندان فراهم می‌سازد. این امر موجب می‌شود چنین افرادی برای التیام ناراحتی‌های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بندگرفتاری‌ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می‌زنند. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه‌ای برخی زندگی‌ها و نمایش فاصله‌های طبقاتی

توسط رسانه‌ها نقش مؤثری در تشدید این مشکل دارند [محبی، ۱۳۸۱: ۶۷].

در اصل فقر می‌تواند زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی در ابعاد گوناگون باشد و این امر در زنان و مردان با کارکردهای متفاوتی همراه است. برخی از جوانان معتاد کشور به دلیل نداشتن تمکن مالی و برخوردار نبودن از امکانات برابر و نیز به منظور به دست آوردن فرصت‌های اجتماعی متناسب با شأن و شخصیت خود و خانواده‌شان به این آسیب خانمان‌سوز گرفتار شده‌اند که در نتیجه امروز به‌عنوان معتاد مجبور به پذیرش برخی رفتارهای غیرانسانی در جامعه هستند.

از هم‌پاشیدگی کانون خانواده: از دیگر مؤلفه‌های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. روابط خانوادگی مهم‌ترین عامل برای ارضای عاطفی و احساسی از آغاز تاریخ بشریت برای اعضای جامعه بوده است. محققان اجتماعی بر این باورند که جامعه متشکل از خانواده‌هاست، و سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده بستگی دارد. سلامت و تعادل نظام خانواده نیز به کیفیت روابط درون خانوادگی بین زن و شوهر، و والدین و فرزند وابسته است. هر اندازه روابط بین همسران مناسب، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، زندگی مستحکم‌تر و با صفات خواهد بود [معظمی، ۱۳۸۸: ۵۲].

در برخی از خانواده‌ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ، و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در خانواده‌هایی که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست می‌دهند، هیچ هدایت‌کننده‌ای در جریان زندگی ندارند، و در پاره‌ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع گرفتار ناامیامت می‌شوند [آزموده، ۱۳۷۸: ۱۷]. علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین

بر کانون و پیکره خانواده سایه می‌افکند. در برخی موارد به دلیل بی‌توجهی یا کم‌توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصری نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران‌های روحی و روانی فرزندان و... موجب روی آوردن فرد به ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی می‌شود [دوست‌قرین، ۱۳۸۸: ۲۲۲].

بی‌مهری اجتماعی: چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی به دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به‌صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می‌یابد. این نوع برخورد همواره به‌عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی یا روحی، و مشاغل پایین خود یا والدینشان رنج می‌برند نیز از سوی افراد جامعه مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و ناخواسته طرد می‌شوند. این گونه افراد برای جبران کمبودهای خود و شاید هم برای رهایی از این گونه بی‌مهری‌ها و معضلات، دست به جرائم و انواع انحرافات اجتماعی دست می‌زنند [عبدی، ۱۳۷۱: ۴۵۵].

شغل: همواره رابطه‌ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی‌کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم، رابطه معناداری مشاهده می‌شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بی‌کاری علت تکرار جرم باشد. زیرا ممکن است این رابطه به‌صورت معکوس باشد. یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می‌شوند، بیشتر شغل خود را از دست می‌دهند و بی‌کار می‌شوند [عبدی، ۱۳۷۱: ۴۵۵].

اشتغال: از دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، بی‌کاری یکی از ریشه‌های مهم بزهکاری و کجروی افراد جامعه است. بی‌کاری موجب می‌شود، افراد بی‌کار جذب



قهوه‌خانه‌ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شوند و به تدریج، به دامان انواع کجروی‌های اجتماعی سقوط کنند. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بی‌کاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد [نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۰: ۲۲۶].

دوستان ناباب: وقتی

جوانان با بی‌توجهی، بی‌مهری و طردشدگی از طرف خانواده روبه‌رو می‌شوند، گروهی که مورد توجه و احترام و جست‌وجوی آنان قرار می‌گیرد، هم‌سالان هستند. آن‌ها را مأمون مطمئنی برای خود می‌دانند و از تمام جهات سر تسلیم در برابر خواسته‌هایشان فرو می‌آورند، همچنین، جوانانی که محیط از هم‌گسیخته و نابسامانی دارند، برای رهایی از وضع نابسامان خانواده خود به دوستان ناباب و معتاد رو می‌آورند و با جایگزین کردن این گروه به جای خانواده از هم‌گسیخته و نابسامان، می‌خواهند به آرامش روحی و روانی برسند [برفی، ۱۳۸۲: ۱۲۷].

تأثیر گروه هم‌سالان، هم‌فکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست، چرا که فرد پس از خانواده، منحصرًا زیر نفوذ گروه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، اگر فردی با گروهی از معتادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می‌گیرد و معتاد می‌شود. چون از سویی، ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آن‌هاست، و از سوی دیگر، معتادان هم علاقه‌مندند که مواد مخدر را به‌طور دسته‌جمعی استعمال کنند که هم در موقع استعمال مصاحبی داشته باشند و هم از شدت فشار سرزنش اجتماع بر خود بکاهند [داوری، ۱۳۸۲: ۶۸-۶۳].

ساترلند در «نظریه انتقال فرهنگی کجروی» خود بر این نکته مهم تأکید می‌کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران، یعنی منحرفان و دوستان ناباب، آموخته می‌شود. این نظریه تأکید دارد که «فرد منحرف» تنها با هنجارشکنان، و «فرد هم‌نوا» تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سر و کار دارد. اما اینکه کدام یک از آن دو گروه، فرهنگ خود را منتقل می‌کنند و تأثیر می‌گذارند، معتقد است که به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که عبارت‌اند از:

● **شدت تماس با دیگران:** احتمال انحراف فرد در اثر تماس با دوستان با اعضای خانواده منحرف خود، به مراتب بیشتر است تا در اثر تماس با آشنایان یا همکاران منحرف خود.

● **سن زمان تماس:** تأثیرپذیری فرد از دیگران در سنین کودکی و جوانی بیش از زمان‌های دیگر و سایر مقاطع سنی است.

● **میزان تماس با منحرفان در مقایسه با تماس با هم‌نویان:** هرچه ارتباط و معاشرت با کج‌رفتاران نسبت به هم‌نویان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود [یان، ۱۳۷۴: ۱۷۰].

محیط اجتماعی: محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در خانه، کوچه، خیابان، مدرسه، و خلاصه محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می‌دهد. در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می‌رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. به گفته یکی

از محققان، محیط در شکل‌گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین‌کننده و مؤثری ایفا می‌کند و رفتار انسان که نشانه‌ای از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی، ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است [رونالوس، ۱۳۶۸: ۶۹].

فقر فرهنگی: یکی از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده‌هاست. چنان‌که سطح تحصیلات (بی‌سوادی و یا کم‌سوادی اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه‌های مذهبی، هم‌نویایی نکردن خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتغال به این موضوع و مسائل دیگری از این دست، مؤلفه‌هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک‌های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرائم آنان را دوچندان می‌کند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر، عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان، و تنبیه تبعیض‌آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتمادبه‌نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می‌شود [حاجی‌لو، ۱۳۸۸: ۶۸].

تفریحات سالم و شاد: متأسفانه در نتیجه برخی برآوردهای آماری از وضع شادی‌ها در میان ایرانیان حاکی است گروه قابل توجهی از مردم دارای افسردگی هستند و این موضوع بسیار خطرناک است. زیرا باعث می‌شود، حتی روزهای شادی نیز توأم با اضطراب باشد [معیدفر، ۱۳۹۰: ۲۳۲]. یکی از نشانه‌های افسردگی افزایش بیماری روانی بین مردم است که نشانه آن کمتر شدن آستانه تحمل نسبت به یکدیگر است. در میان مردم جامعه‌ای که در آن شادی وجود ندارد، افسردگی و بدبینی به شدت افزایش می‌یابد. حتی

رویدادهای خوشایند منفی ارزیابی می‌شوند و بی‌علاقگی در کار و فقدان وجدان کار به وجود می‌آید. اعتیاد به مواد مخدر و گسترش خشونت از عوارض دیگر آن است و گرایش به فرهنگ‌های غیرخودی افزایش می‌یابد، و این یعنی افزایش طلاق، مصرف مواد مخدر و در نهایت کثرت مجرمان [همان: ۲۳۴].

راهکارهای مقابله با انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی

● توجه به مشکلات شخصیتی و جسمانی افراد؛ مشکلاتی همچون: اختلال در گویایی، بینایی و شنوایی، اختلالات جسمانی و عقب ماندگی ذهنی.

● توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی‌توجهی به تکالیف درسی، تقلب در درس به خصوص توسط خانواده‌ها؛ بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش‌آموزان از مدرسه و ارتباط با خانواده‌های آنان؛ ایجاد محرومیت‌های اجتماعی از قبیل ندادن گواهی‌نامه رانندگی، یا افزایش مدت سربازی برای افراد بی‌سواد و کم‌سواد، و یا حذف یارانه‌های نقدی برای خانواده‌هایی که مسئولیتی در قبال تحصیل بچه‌های خود بر عهده نمی‌گیرند.

● توجه به مشکلات عاطفی - روانی، همچون افسردگی، خیال‌بافی، بدبینی، خودکم‌بینی، خودبزرگ‌بینی، زودرنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم‌حرفی و وسواس.

● توجه به مشکلات اخلاقی - رفتاری، همچون خودارضایی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغ‌گویی، اعتیاد، ولگردی و...

● ایجاد توانمندی در افراد از طریق آموزش مهارت‌های شغلی به منظور ورود آن‌ها به بازار کار، کسب پاداش براساس لیاقت‌های فردی و کسب پایگاه اجتماعی بالارزش براساس لیاقت‌های فردی؛ به خصوص توسط آموزش و پرورش [سرخاوت، ۱۳۸۸: ۲۱].

● هماهنگ کردن بخش‌های عمومی و

خصوصی که در زمینه پیشگیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، شوراها، امور جوانان، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه عملی پیشگیرانه و هماهنگی بیشتر.

● ایجاد تفریحات سالم و سرگرمی، ایجاد اشتغال برای جوانان و حمایت سازمان‌ها و دولت از جوانانی که گرفتار فقر و مشکلات خانوادگی‌اند، و نیز حمایت عاطفی و مالی از خانواده‌هایی که با ناهنجاری‌های اجتماعی دست به گریبان هستند [دوست‌قرین، ۱۳۸۸: ۲۲۸].

● گنجاندن واحدهای درسی ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در نظام آموزشی و ارائه راه‌های مقابله با این ناهنجاری‌ها در آن [معظمی، ۱۳۸۸: ۷۴].

نتیجه‌گیری

آنچه که سلامت افراد جامعه را تضمین می‌کند، ایجاد امنیت اقتصادی، اجتماعی و قضایی و بهداشتی برای آحاد مردم کشور است. لازمه برخورداری مردم و جامعه از تعادل جسمانی و روانی، رشد سالم در مراحل گوناگون زندگی از کودکی تا بزرگسالی است [سرخاوت، ۱۳۸۸: ۱۱].

در این مقاله ابتدا عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی به این شرح برشمرده شدند: اختلاف و از هم‌پاشیدگی خانواده؛ فقر مالی و بی‌کاری؛ توهم ثروتمند شدن و از دست دادن شرافت اخلاقی و فقدان مذهب؛ احساس عدم درک از طرف جامعه و احساس تنهایی و بی‌پناهی؛ تقلید ناآگاهی و کم‌اطلاعی از پیامدهای مواد مخدر؛ فراوانی و دسترسی آسان به مواد مخدر؛ نبود نظارت بر دوستان از طرف والدین؛ نبود نظارت بر دوستان و معاشرت با دوستان ناباب و نامطمئن؛ نبود تفریحات و سرگرمی‌های سالم. در ادامه گفته شد که در پیدایش بزهکاری و رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زا، عوامل متعددی به‌عنوان عوامل پیدایش و زمینه‌ساز مؤثر هستند که فرد مرتکب‌شونده، تنها بخشی از قضیه است. در واقع باید با این

نگاه به مجرم نگرسیست که او بیمار است. به تعبیر پر بودو داریل، بزهکار و ناهنجار یا مریض است و یا نادان. باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد [لوی‌برول و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۲۲].

منابع

۱. آزموده، ادریس (۱۳۷۸). نقش خانواده در پیشگیری از وقوع بزهکاری، اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم. دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا. تهران. چاپ اول.
۲. برفی، محمد (۱۳۸۲). از میکده تا ماتمکده. نشر احسان. تهران. چاپ سوم.
۳. حاجی‌لو، محمدرضا (۱۳۸۸). تاریخچه و علل گرایش به مواد اعتیادآور. انتشارات نگاه. تهران. چاپ اول.
۴. داوری، محمد (۱۳۸۲). پیشگیری و کنترل اعتیاد با نگرش اسلامی. انتشارات نقش کلک. تهران. چاپ اول.
۵. دوست‌قرین، تقی (۱۳۸۸). مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران. انتشارات آگه. تهران. چاپ سوم.
۶. یان، رابرتسون (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد. چاپ سوم.
۷. رونالوس، المینگر (۱۳۶۸). کودک و مدرسه. ترجمه شکوه نوابی‌نژاد. انتشارات رشد. تهران. چاپ اول.
۸. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی. نشر آوای نور. تهران. چاپ چهارم.
۹. سرخاوت، جعفر (۱۳۸۸). مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران. انتشارات آگه. تهران. چاپ سوم.
۱۰. عبیدی، عباس (۱۳۷۱). آسیب‌شناسی اجتماعی. سپهر. قم. چاپ اول.
۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی، تهران. چاپ پنجم.
۱۲. لوی‌برول، هانری و دیگران (۱۳۷۱). حقوق و جامعه‌شناسی. ترجمه مصطفی رحیمی و دیگران. انتشارات سروش. تهران. چاپ پنجم.
۱۳. محبی، سیده فاطمه (بهار ۱۳۸۱). آسیب‌شناسی اجتماعی زنان. مجله مطالعات راهبردی زنان. شماره ۷۳.
۱۴. معظمی، شهلا (۱۳۸۸). مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران. انتشارات آگه. تهران. چاپ سوم.
۱۵. معیدفر، سعید (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. ناشر نور علم. تهران. چاپ سوم.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۰). «بزهکاری و شرایط اقتصادی». مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۹.